فوت عزیزان برای بازماندگان چقدر خرج برمی‌دارد؟

اعزام میهمان به مجلس عزای دیگران

لیلا ابراهیمیان

عکاس کنجکاو لنز دوربین خود را مستقیم به داخل قبر می‌برد؛ برای ثبت لحظه‌هایی که خاک روی مرده پاشیده می‌شود و واجبات و مستحبات یکی‌یکی به‌جای آورده می‌شود. شاید ضبط لحظه‌ها برای عکاس ارضاکننده است و نشان تبحر در هنر. میهمانان در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا (س)، دور قبر حلقه زده‌اند و در پشت شیشه‌های سیاه اشک خود را به بند کشیده‌اند. پیرزنی تن خسته خود را به سایبانی سپرده و دختر به برگ‌های پاییزی چشم دوخته است و پسر چندساعتی بیش نیست که از آلمان به ایران آمده است. مردی میانسال که می‌گویند مدیر اجرایی است، مشغول هماهنگی کارهاست. یکی مداحی می‌کند و دیگری گل و گلاب را آماده کرده و دوربین عکاسی و فیلمبرداری نگران ازدست‌دادن لحظه‌ها برای ثبت‌نشدن این‌روز... . مرد میهمانان را دعوت می‌کند برای نشستن روی صندلی‌های پلاستیکی. مصیبت فقدان سنگین‌تر می‌شود با خوانده‌شدن سوگنامه‌ها؛ سوگنامه‌هایی که تصویری نه‌چندان روشن از زندگی فرد می‌دهد. سوگنامه پر است از اغراق و ابهام و ایهام. پسر با صدای بلند می‌گرید و دختر آرام و خسته نشسته است و از دور تماشا می‌کند میهمانان سوگوار را. شاید استاد بزرگوار هرگز در جوانی دشمنی نداشته که امروز چنین پرسوزوگداز از او می‌خوانند.

حتما فردا صبح، روزنامه‌ها ستون «از شمار دو چشم یک تن کم / وز شمار خرد هزاران بیش» را بایگانی خواهند کرد و فردای مردن، حتما استاد قدر بیشتر خواهد دید و بر صدر خواهد نشست و دریغاگویی و احساس نوستالژی برای ازدست‌دادن چنین مرد ادبی از دیار علم، نقطه عطف زندگی او خواهد بود؛ مردی که شاید در جوانی و میانسالی منتقدان فراوانی داشته است... .

جمعیت چندده‌نفری برای ناهار دعوت می‌شوند و قطعه نام‌آوران به آرامش فرو می‌رود. آخرین نفر مردی میانسال است که حلوا و خرمای باقی‌مانده را به همراه چند شاخه گل پرپرنشده به دست می‌گیرد و از قطعه خارج می‌شود. سکوتی مبهم و هراس‌آلود بر محوطه حکم می‌راند. باد در میان شاخه درختان زوزه می‌کشد و خاک سنگ‌های مرمر قبرستان را جابه‌جا می‌کند.

مراسم در مسجد نور واقع در میدان فاطمی، با قرائت سوره الفاتحه و سوره الاخلاص شروع می‌شود. صندلی‌های بخش خانم‌ها پر است و میهمانان زیادی سرپا ایستاده‌اند. صدای گریه‌های دردناک در فضا می‌پیچد. میهمانان با صاحب عزا روبوسی می‌کنند و او را دلداری می‌دهند. خانمی جلدهای ۳۰ جزء قرآن را میان حاضران می‌آورد و دیگری چایی، حلوا و خرما تعارف می‌کند. روحانی مسجد شروع می‌کند به گفتن از مرگ و فلسفه آن و بازتولد. مراسمی که دوساعت به طول می‌انجامد در یک عصر پاییزی؛ مراسمی ساده و سنتی که نازنین درباره آن می‌گوید: «پدر رفت و ما تنها شدیم. دیگر مثل قدیم نمی‌توان عزاداری کرد، اما غصه‌ها و دلتنگی‌ها زمان زیادی با ما همراه خواهند بود؛ حتی تا لحظه مرگ.»

آیا مرگ او ممکن است؟ نه ممکن نیست؛ او فقط ۱۷سال دارد. مادر بر صورت خود می‌کوبد و بر سر. موهای پریشان و گونه‌های زخمی خود را با چارقدش پنهان می‌کند و ناله می‌کشد. چندنفری، در مسجد نبوی خیابان خاوران، دست‌های او را محکم گرفته‌اند تا او به خود آسیب نزند. مرگ، خود به حیرت آمده از این همه رنج و عذاب و ماتم. بیرون مسجد حجله‌ای بر پاست و چند فانوس و شمع و اعلامیه‌ای با عنوان جوان ناکام.

همه ادیان و اندیشه‌ها از مرگ می‌گویند. مرگ و زندگی از آغاز در کانون توجه آثار برجسته هنر، ادبیات و فلسفه در جهان بوده و نخستین کتاب‌ها به مرگ توجه دارند؛ مثل کتاب «مردگان مصر» و «افسانه گیل‌گمش» بابلی. در افسانه‌ها و کتاب‌ها از جاودانگی زندگی و هراس آمیخته به تکاپو می‌گویند. تلاش برای پیداکردن گیاهی برای نامیرایی انسان و پاسخی برای کهن‌ترین هراس یا آرزو برای زندگی و بازتولد. انسان میل عجیب و دیوانه‌واری به نامیرایی دارد. انسان مدرن و پیشامدرن و پسامدرن همیشه برای ازدست‌دادن فرصت زندگی نزدیکان خود غصه خورده است؛ اگرچه شکل مراسم‌ها رنگ‌وبوی و مشخصه اصلی دوره تاریخی را در خود نمایان می‌کند.

امروز هم سنت‌ها در سنتی‌ترین مساله یعنی مرگ در حال‌گذار هستند و مردم مدرن‌بودن خود را در همه‌چیز حتی مرگ با پول به رخ می‌کشند، گویی کسانی که در جوار امامزاده یا در مقبره خصوصی و قبرستان لویزان دفن می‌شوند زندگی متفاوتی را تجربه کرده و خواهند کرد.

گل‌های دم در و پارچه‌های مشکی نصب‌شده روی دیوار و در دو اتاق باز، نشان از مراسم سوگواری دارد. حتما اینجا مرگ میهمان خانه‌ای شده. جوان‌ها جلو در ورودی ساختمان ایستاده‌اند و میهمانان را به داخل راهنمایی می‌کنند. بیشتر آنها لباس‌های رنگی بر تن دارند و تنها کراوات مشکی می‌تواند نشان دهد که مرد جوان شاید از بستگان نزدیک متوفی باشد و مرد در پاسخ این را تایید می‌کند. اما برای صحبت‌کردن به زمان دیگری نیاز دارد. او خیلی محترمانه اصرار به همراهی در مراسم می‌کند. مراسم نیم‌ساعتی هست که شروع شده و گروه موسیقی در حال اجرای برنامه خود هستند به همراه دف، نی و چندساز سنتی دیگر... زنان و مردان با عینک‌های مشکی روی چشم ساکت بر صندلی‌های خود تکیه زده‌اند و چندنفر مشغول پذیرایی با میوه و حلوا و خرما از میهمانان هستند. مراسم که تمام می‌شود میهمانان برای مراسم شب هفت برای صرف عصرانه به هتل استقلال دعوت می‌شوند و میهمانان‌ها با خداحافظی و گفتن تسلیت مجدد به بیرون راهنمایی می‌شوند.

مرد جوان ناراحت است از سوگ پدر؛ خیلی ناراحت. می‌گوید برای مراسم پدر «بیش از یک‌ونیم‌میلیارد» هزینه کرده‌ایم؛ قبری در امامزاده... به قیمت یک‌میلیاردتومان و بقیه هزینه‌ها مثل گروه موسیقی، فیلمبرداری، کرایه چندین ماشین برای جابه‌جایی میهمانان، گل و پذیرایی و ناهار و شام

مدیر یکی از موسساتی که جزو اولین موسسه‌هایی است که در حوزه انجام مراسم ترحیم فعالیت می‌کند، از ذهنیت عده‌ای نسبت به این کار می‌گوید که به این شغل «مرده‌کشی» می‌گویند اما آنها هدف خود را کارآفرینی و ایده خلاقانه می‌دانند. او می‌گوید: «کسانی که در روزنامه آگهی تبلیغات برای مراسم ترحیم می‌دهند در صنف ظروف کرایه یا مداحی کار می‌کنند اما ما با فکر مدرن، خدمات حرفه‌ای، اجرای کامل مستحبات و واجبات با کارمندان تحصیلکرده کار می‌کنیم.»

و... ، او از فوت ناگهانی می‌گوید و اینکه در این مراسم‌ها فرد داغدار ممکن است خیلی چیزها را فراموش کند.

می‌گوید در خارج از کشور موسساتی وجود دارند که این مراسم‌ها را با دریافت هزینه‌ای انجام می‌دهند؛ مراسمی که در حد توان و خواست خانواده فوت‌شده باشد.

بعد از چندثانیه موتور جست‌وجوگر گوگل فهرستی از سایت‌ها و موسسه‌هایی را نشان می‌دهد که در زمینه انجام تمامی امور مراسم ترحیم از لحظه فوت تا مراسم سالگرد فعالیت می‌کنند؛ سایت‌هایی برای کرایه ظروف مراسم، تبلیغ برای فروش قبرهایی با قیمت ارزان از صدهزارتومان تا صدمیلیون‌تومان با انتقال سند مالکیت در قطعات قدیمی یا جدید بهشت‌زهرا (س)، گروه موسیقی با دف و نی در منزل و باغ، وسایل صوتی، گروه پذیرایی، ماشین، گل‌های مراسم ترحیم با قیمت ۳۰هزارتومان تا ۱۸میلیون‌تومان، منو غذا از یک‌میلیون‌تومان تا ۵۰میلیون‌تومان، مراسم کفن و دفن با انجام تمامی واجبات و مستحبات با اعلام چندین شماره تلفن از طرف سایت‌ها و موسسه‌ها برای ارتباط با آنها.

بهنام امیری، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی و مدیر اجرایی «موسسه به‌سوی دوست» در تماس تلفنی، آدرس موسسه را می‌دهد که بعدتر می‌توان دید ساختمانی است منظم با چندین کارمند. می‌گوید چهارسال پیش با سایت «راجعون» فعالیت خود را شروع کرده‌اند. این سایت بیشتر برای ارایه اطلاعات در زمینه واجبات مرگ بود و حدود یک‌سال است که فعالیت موسسه شروع شده. این موسسه به‌گفته امیری شاید جزو اولین موسسه‌هایی است که در حوزه انجام مراسم ترحیم فعالیت می‌کند. او از ذهنیت عده‌ای نسبت به این کار می‌گوید که به این شغل «مرده‌کشی» می‌گویند اما آنها هدف خود را کارآفرینی و ایده خلاقانه می‌دانند. امیری می‌گوید «کسانی که در روزنامه آگهی تبلیغات برای مراسم ترحیم می‌دهند در صنف ظروف کرایه یا مداحی کار می‌کنند اما ما با فکر مدرن، خدمات حرفه‌ای، اجرای کامل مستحبات و واجبات با کارمندان تحصیلکرده کار می‌کنیم.» مدیرعامل موسسه، مهندس بازنشسته و مدیرعامل شرکت مهندسی پارس... است. او می‌گوید مرگ خبر ناگهانی است.

در این شهر شلوغ فرد عزادار چگونه می‌تواند از پس این همه فعالیت در زمان اندک برآید؟ از طرف دیگر، نسل جدید اطلاع دقیقی از چگونگی انجام این مراسم ندارد یا فردی می‌خواهد مرده خود را در عتبات‌عالیات دفن کند یا از خارج از کشور به داخل منتقل کند. باید جایی برای انجام این امور باشد یا نه؟ می‌گوید: «ما باید از سازمان بهشت‌زهرا(س) مجوز فعالیت دریافت کنیم اما آنها می‌گویند که کار شما چون در بیرون از بهشت‌زهرا انجام می‌شود، به ما ربطی ندارد. در حال حاضر از ما اصرار است و از اینها انکار. اما کارشکنی در کار هم نمی‌کنند.» آنها تعداد مراجعه‌کننده‌های خود را در روز بین سه تا پنج‌نفر اعلام می‌کنند و امیدوارند به آینده کار خود در چندسال دیگر.» آرزو برای بهترشدن بازار کار یا شاید آرزو برای بیشترشدن مرگ‌ومیر.

می‌گویند مراجعه کننده‌های ما از نقاط مختلف شهر و بیشتر از طیف افراد غیرمذهبی هستند یا افرادی که می‌خواستند مراسم آنها به شکل جدید برگزار شود. امیری می‌گوید «ما به فراخور نیاز خدمات ارایه می‌دهیم. مثلا دو هفته پیش مراجعه‌کننده‌ای داشتیم که بازاری بودند و در مراسم آنها دعوا شده بود. می‌خواستند در جای دیگر مراسم برگزار کنند. آنها می‌خواستند در مراسم‌شان عده‌ای شرکت کنند که ما برای آن مراسم حدود ۲۰نفر در نقش میهمان فرستادیم به‌هرحال افرادی هستند که به‌عنوان کار مستحب نه با پول این کار را انجام می‌دهند.» آنها از نیروهای حرفه‌ای برای مراسم عزاداری صحبت می‌کنند و می‌گویند «ما با آنها خیلی ارتباطی نداریم. اینها با گرفتن پول در این مراسم شرکت می‌کنند اما ما این کار را نمی‌کنیم.» یک‌بار در مراسم قاضی بازنشسته‌ای از ما ۵۰نفر میهمان خواستند که ما گفتیم شوونات خانواده شما را نمی‌دانیم و نمی‌خواهیم زیربار این مسوولیت برویم.

مدیرعامل موسسه می‌گوید شکل مراسم در مناطق بالا و پایین شهر تغییر کرده، اما هنوز هم خیلی از مراسمات به شکل سنتی و رسمی در مسجد یا هتل و تالار برگزار می‌شود و عده‌ای هم در باغ و منزل شخصی به شیوه‌های جدیدتر مراسم فوت را برگزار می‌کنند. او از مقیدبودن افراد به برگزاری مراسم ترحیم می‌گوید و اینکه مراسم فوت هزینه سنگینی دارد چه در بالای شهر و چه در پایین شهر.

مردن مساله زندگان است؛ مردگان هیچ مساله‌ای ندارند. از میان موجودات روی زمین فقط انسان است که بر مردن خود فکر می‌کند و هزینه. اندیشیدن مدام به مرگ اگرچه به‌دلیل عشق به زندگی بوده و هراس از مرگ؛ اما شاید در دنیای معاصر ما هزینه مردن هراس را برای زندگان چندین برابر کرده باشد؛ به‌طوری که فاطمه با خنده‌ای تلخ می‌گوید مادرم وقتی از مردن حرف می‌زند به او می‌گویم اجازه بده پول‌هایم را پس‌انداز کنم بعدا این آرزو را بکن.

قدم‌زدن در میان مراسم خاکسپاری، شام غریبان، مراسم شب سوم و هفتم و چهلم، سوال زیگموند فروید در سال۱۹۱۵ در مقاله «اندیشه‌هایی در خورِ ایام جنگ و مرگ» را به ذهن می‌آورد: «در نگرش متمدنانه خود به مرگ بیش از درآمدمان هزینه می‌کنیم. آیا نباید به عقب برگردیم و این حقیقت را بازشناسیم؟ یا نباید در واقعیت و در اندیشه‌هایمان، جایگاهی را به مرگ بدهیم که شایسته آن است؟» با این وصف، پس نرخ گریه روی قبر سه طبقه بهشت‌زهرا (س)، قبر چند ده میلیونی و میلیاردی صحن امامزاده... یا منطقه خوش آب و هوای لواسان چند؟

خداحافظی نشریات دانش‌آموزی با جوهر و کاغذ

کمتر از یک‌هشتم دبیرستان‌های نیویورک، کلاس‌های روزنامه‌نگاری برگزار می‌کنند. روزنامه‌های آمریکایی نمونه‌هایی هستند با تجربیاتی که چند سال آینده در دیگر کشورها نیز روزنامه‌نگاران با آنها روبه‌رو می‌شوند. به همین ترتیب، در دیگر فضاهای ژورنالیستی این کشور نیز ممکن است اتفاقاتی رخ دهد که بعدها کشورهای درحال‌توسعه با آنها روبه‌رو است. کاهش تعداد روزنامه‌های چاپی و افزایش استفاده از امکانات ژورنالیسم آنلاین، یکی از تجربیاتی است که روزنامه‌نگاری غربی با آن روبه‌رو هستند و همین روزها حتی در کشورهای آسیایی و اروپای شرقی و آفریقایی هم این موارد دیده می‌شود. روزنامه نیویورک‌تایمز گزارشی نوشته است از اینکه علاوه بر خداحافظی نشریات سراسری آمریکا، حتی نشریات دانش‌آموزی نیز به تدریج نسخه‌های چاپی را رها می‌کنند.

نیویورک‌تایمز گزارش داده است دبیرستان‌های عمومی شهر نیویورک به دلیل کاهش بودجه یا تمرکز بیشتر بر موضوعاتی علمی‌تر، روزنامه‌های دانش‌آموزی کمی منتشر و همین تعداد نیز نسخه‌های معدودی طی سال چاپ می‌کنند. تمرکز بر روزنامه‌های نیویورک به این دلیل است که این شهر، پایتخت رسانه‌ای جهان شناخته می‌شود. مطالعه دانشگاه ایالتی کنت در سال ۲۰۱۱ نشان داد که حدود دوسوم دبیرستان‌های عمومی سراسر آمریکا روزنامه منتشر می‌کنند اما مدارس نواحی حاشیه‌ای شهرها، دخالت کمتری در انتشار نشریات دانش‌آموزی دارند. از این حرف‌ها گذشته، همه روزنامه‌ها - فارغ از سراسری یا دانش‌آموزی- در حال تلاش هستند تا در رقابت با فضای مجازی، دوام بیاورند. دانش‌آموزان با رژیمی از پست‌های اینترنتی و پیام‌های کوتاه، بزرگ می‌شوند که ممکن است احتمال این را که خواننده روزنامه‌های آینده باشند، کاهش دهد. منتقدان می‌گویند اگر دانش‌آموزان در دبیرستان‌ها نشریه‌ای نداشته باشند یا به خواندن روزنامه عادت نکنند، ممکن است در آینده اصلا روزنامه‌ای در دست نگیرند و حتی از محتوای روزنامه‌ها آگاه نباشند مگر اینکه یک روزنامه رایگان قطع مترویی در خیابان به دستش بدهند.

بسیاری از دبیرستان‌های آمریکا که روزنامه‌نگاری نیز در آنها تدریس می‌شود، نیاز به چاپ‌کردن یک نشریه برای استفاده و یادگیری مهارت‌های روزنامه‌نگاری از سوی دانش‌آموزان دارند؛ اما در تعدادی از این مدارس، مثل مدرسه روزنامه‌نگاری در منطقه کوییز با ۶۰۰ دانش‌آموز، به دانش‌آموزان گفته شده که منتشرکردن یک روزنامه دانش‌آموزی با هزینه حدود ۱۰هزاردلار مقرون‌به‌صرفه نیست و دانش‌آموزان نیز پس از اینکه نتوانسته‌اند تبلیغات بگیرند، به سوی انتشار یک نشریه آنلاین رو آورده‌اند. ماجرا به این هم ختم نمی‌شود چون منتشرنشدن یک روزنامه، انگیزه نوشتن مطالب را هم از دانش‌آموزان می‌گیرد و حتی برای روزنامه‌های آنلاین دانش‌آموزی هم، گرفتن مطالب بسیار سخت می‌شود.

با همه این حرف‌ها، بسیاری از مدارس آمریکایی هنوز مثل یک تاریخ، روزنامه‌های دانش‌آموزی خود را منتشر می‌کنند و با وجود همه مشکلات، آنها را نگه داشته‌اند. نشریه «کلینتون نیوز» یک روزنامه دانش‌آموزی است که دوران دو جنگ جهانی، رکود بزرگ اقتصاد و دیگر اتفاقات تاریخی آمریکا را طی دهه‌ها فعالیت مدرسه دولتی شمال‌غربی محله برونکس در نیویورک پوشش داده است. تیراژ این روزنامه در سال‌های جنگ‌جهانی دوم ۱۰ هزار نسخه بود که حالا به سه‌هزار نسخه رسیده و مدرسه چند سال پیش اعلام کرد که بودجه زیادی برای نشریه مدرسه در نظر نمی‌گیرد برای اینکه مدیران دبیرستان می‌خواهند که خود مدرسه را نجات دهند. ربکا وارکای ۱۸ساله یکی از کسانی است که در نشریه دبیرستان کار می‌کند. او می‌گوید به نشریه مدرسه‌اش افتخار می‌کند و آرزو دارد همکلاسی‌هایش نیز بیشتر به روزنامه‌شان نگاهی بیندازند. اما ربکا می‌گوید: «فیس‌بوک راه جدیدی است برای اینکه آدم بفهمد چه اتفاقی افتاده. هیچ‌کس نمی‌نشیند تا همه مقاله یک نشریه را درباره آن اتفاق بخواند.»

ادامه از صفحه ۹

عاقبت ماجراجویی‌های آقای رییس‌جمهور

در ابتدا به افزایش نقدینگی متوسل شدند که حاصلی جز افزایش تورم در این اوضاع آشفته نداشت! پس از آن چشم امید به سرمایه‌گذاران مالی روسی دوخته شد، اما با اوضاع کنونی کمکی از دست آنان نیز ساخته نبود. چراکه از ماه‌ها پیش، پس از جریان دخالت‌های نظامی روسیه در اوکراین بنا بر تصمیم جمعی آمریکا و همراهی اعضای اتحادیه اروپا، همگی رهبران اقتصادی و تامین‌کنندگان مالی این کشور تحریم شده بودند. پس از آن تصمیم به توقف پروژه عظیم «سوت‌استریم» که از مدت‌ها پیش چشم امید پوتین و دیگران به آن دوخته شده و قرار بود بازدهی فراوان اقتصادی برای این کشور به همراه آورد، گرفته شد.

پروژه‌ای که قابلیت انتقال ۳۶میلیاردمترمکعب گاز در سال را داشت. برنامه‌ای روسی - ایتالیایی که ۱۶میلیاردیورو بر روی آن توافق شده بود. اما دستور توقف چنین پروژه‌ای پیام روشنی بود به دوستان و دشمنان تا آشفتگی اقتصادی روسیه را آشکارا به بازیگران دهکده جهانی نشان دهد.

توطئه احمقانه یا اشتباهات محاسباتی؟

در چنین شرایطی اعراب نیز از فرصت پیش‌آمده استفاده مناسب را کرده و با پیکان «کاهش قیمت نفت» چندین تیر را همزمان نشانه‌گیری می‌کنند، که یکی از آنها روسیه است. نباید فراموش کرد که هماهنگی برنامه‌های دیپلماتیک اعراب با غرب امری غیرقابل‌انکار است.

پس در این میان روسیه‌ای که درصدد تثبیت قدرت بشار اسد در سوریه بود و به‌این‌وسیله خشم اعراب حاشیه‌نشین را برانگیخته بود، نباید به سمت یکه‌تازی‌های منطقه‌ای پیش رود. بنابراین قابل‌پیش‌بینی است که تحریم غرب علیه روسیه تنها به‌وسیله آمریکا انجام نمی‌پذیرد و دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز در پشت پرده‌ها مشغول فعالیت هستند. اما شاید شور و شادی حاصل از قدرت‌نمایی‌های اخیر روسیه در برابر همسایگان و رقبا باعث شده بود تا ولادیمیر پوتین در معادلات سیاسی- امنیتی خود جایی برای چنین اتفاقاتی باز نکند. چون پیش‌بینی ناهنجاری‌های کنونی روسیه، حتی به شرط احتمال، بی‌تردید جلو چنین ماجراجویی‌هایی را می‌گرفت؛ اینکه چرا روسیه تصور می‌کرد می‌تواند با توسل به نظامی‌گری‌های سنتی متعلق به زمان اتحاد جماهیر شوروی به گسترش مرزهای جغرافیایی خود بپردازد و جامعه بین‌الملل تنها به تماشای آن خواهد نشست، جای سوال دارد.

آیا پوتین از خاطر برده بود که قسمت عظیمی از توانمندی‌های دیپلماتیک خود را مدیون درآمد نفت است و در صورت کاهش این درآمد نمی‌توان به‌تنهایی و بی‌نیاز از دیگر کشورها خودنمایی کرد؟ آیا هزینه‌ای که روسیه صرف درگیری‌های نظامی در اوکراین کرد، با محاسبات صاحبان کرملین قرار بود با منفعت بدون ضرر مواجه شود؟ آیا پوتین که زمانی تحریم‌های آمریکا علیه خود را «یک توطئه احمقانه» لقب داده بود، بالاخره متوجه اشتباهاتی که در محاسبات سیاسی خود کرده بود، خواهد شد؟

گزارش دو

دیدگاه‌های جامعه ایرانی درباره شبکه‌های اجتماعی متضاد است

پذیرایی با ۲گیگ اینترنت اضافه

سعیده آقاخانی

جدال سنت‌ها و سبک زندگی سابق ایرانی‌ها با تکنولوژی‌هایی که شیوه‌های مرسوم زندگی و ارتباط را دستخوش تغییر قرار داده جدی است؛ این طرف والدین و مسوولانی هستند که مدام هشدار می‌دهند و عواقب استفاده از فضاهایی از جمله اینستاگرام، واتس‌اپ، وایبر، لاین، تلگرام، تانگو و... را گوشزد می‌کنند. این گروه اعتقاد دارند حضور جوانان و اعضای خانواده‌ها در نسل‌دوم شبکه‌های اجتماعی موجب ورود به حریم خصوصی افراد، سوءاستفاده و باج‌گیری، پرده‌دری از حیا و عفت و اعتیاد به اینترنت، بدبینی نسبت به مسوولان، قبح‌شکنی و ترویج فحشا، گسترش سوءظن بین زوج‌های جوان، کم‌رنگ‌شدن ارتباطات عاطفی، اخلاقی و مشکلات جنسی، مجازی‌شدن ارتباطات، دورشدن اعضای خانواده از هم و رواج شایعات می‌شود. آنها بر اعتقاد خود پافشاری می‌کنند که این شبکه‌ها علاوه‌بر اینکه خطراتی را متوجه جامعه کرده، آسیب‌های فراوانی به بنیان و نهاد خانواده‌های ایرانی وارد کرده است. آن طرف هم جوانان و کاربرانی قرار دارند که بی‌توجه به این نگرانی‌ها به آمار کاربران نسل‌دوم شبکه‌های اجتماعی اضافه می‌شوند. در میان این گروه علاوه‌بر جوانان، زنان خانه‌دار و مردان عیال‌وار، نوجوانان و اقشار مختلف، صاحبنظران و کارشناسانی حضور دارند که معتقدند شبکه‌های اجتماعی جهانی، ارتباطات را ساده‌تر و کار را سریع‌تر می‌کنند و می‌توانند مکانی برای تجارت، تفریح، تعامل و استفاده از شعور و خرد گروهی باشند.

اینان نگرانی‌ها را متوجه تفاوت بین‌نسلی و تغییرات سریع تکنولوژی می‌دانند و عنوان می‌کنند نمی‌توان از غافله پیشرفت و تکنولوژی عقب ماند و این فضاها می‌تواند شبکه‌ای را برای دریافت عقاید گوناگون دیگران و نشر و توسعه اخلاق، علم و فرهنگ در اختیار اشخاص قرار دهد؛ ضمن اینکه باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های ارتباطی، گستردگی ارتباطات، اطلاع‌رسانی و به‌روز بازتاب‌های مختلف از پدیده‌های گوناگون شده است. حضور ایرانی‌ها در شبکه‌های ارتباطی اینترنتی هرروز پررنگ‌تر می‌شود و حتی در برخی موارد، کاربران ایرانی مخاطبان اصلی این شبکه‌ها را تشکیل می‌دهند. مرکز الکسا (Alexa) یکی از معتبرترین مراکز امتیازدهی به سایت‌های اینترنتی به‌تازگی اعلام کرد بزرگ‌ترین گروه اعضای وایبر، ایرانی هستند. در بررسی‌های این مرکز اعلام شده ۱۱/۱درصد از تمام مشترکان سرویس پیام‌رسان وایبر، ایرانی هستند و پس از آن، آمریکایی‌ها با ۷/۲درصد قرار گرفته‌اند.

از امکانات وایبر که باعث جذابیت آن شده و غالبا در همه شبکه‌های موبایل وجود دارد؛ می‌توان از ثبت‌نام سریع و آسان، امکان مکالمه صوتی و تصویری رایگان، امکان ارسال و دریافت متن، تصویر، صوت و به‌اشتراک‌گذاشتن عکس و فیلم نام برد. همچنین امکان برقراری ارتباط با هرنقطه از دنیا بدون هزینه‌های بین‌المللی و بدون هرگونه مزاحمت‌های تبلیغاتی و امکان استفاده از هرسیستم‌عاملی برای نصب این نرم‌افزارها، از جمله قابلیت‌هایی است که باعث شده هرقشر و گروهی از نسل‌دوم شبکه‌های اجتماعی استقبال کند.

هم‌اکنون پنج‌میلیون ایرانی در WhatsApp عضو هستند و البته با توجه به اینکه روزانه یک‌میلیون‌کاربر جهانی به مجموع مشترکان این ابزار اضافه می‌شود، پیش‌بینی شده به همین نسبت بر تعداد ایرانی‌های فعال در WhatsApp هم افزوده شود. آماری که به‌تازگی از سوی پژمان‌فر، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی اعلام شد، حاکی از این است که روزانه ۳۰میلیون‌ایرانی از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

این رویه، برخی ارتباطات خانوادگی ایرانیان را نیز دستخوش تغییر قرار داده است. به‌تازگی در میهمانی‌ها اولین چیزی که می‌پرسند این است که رمز وای‌فایتان چیست. خیلی وقت‌ها در کنار میوه و وسایل پذیرایی باید دوگیگابایت اینترنت اضافه برای میهمانان بگیرید و این برای جامعه ایرانی یک نوع پذیرایی شده است. بالطبع برای کسانی که به آداب و رسوم خاص و اجتماعی پایبندند، این شرایط خوب نیست. برای آنها این مهم است که اقوام و آشنایان در کنار هم بنشینند و از مسایل مختلف صحبت کنند، اما این موضوع در میان نسل جوان مانند گذشته مصداق ندارد. کاربران شبکه‌های اجتماعی موبایل در جمع اقوام هم با دوستان مجازی خود سرگرم ردوبدل‌کردن اطلاعات هستند و این موضوع صدای بزرگ‌ترهای فامیل را درآورده است. مژگان، ۴۷ساله از این روند ناراضی است و می‌گوید: وجود ابزارهای ارتباطی مانند وایبر و لاین باعث شده، اعضای خانواده کمتر با هم تعامل داشته باشند و فرزندان به جای گفت‌وگو و همکاری، سرشان مدام در موبایل و تبلت باشد. او هرروز با فرزند ۲۱ساله‌اش به‌خاطر همین مساله کلنجار می‌رود. مریم ۳۵ساله هم که پسر ۱۳ساله‌ای دارد، با والدین خود به‌خاطر استفاده از شبکه‌های اجتماعی درگیر شده است. او مراسم یلدای امسال را به‌خاطر می‌آورد که در جمع خانوادگی حضور داشت و همه با تلفن‌های همراه و تبلت‌های خود سرگرم بودند. ناگهان عمویش که بزرگ‌تر فامیل و میزبان بود، فریاد کشید: اگر می‌خواستید «گوشی‌بازی» کنید، چرا مرا به خرج انداختید؟ به گفته او، قبلا در دورهمی‌های خانوادگی همه مجبور بودند برای فرار از موقعیت‌های تکراری، به تلویزیون و یک «برنامه اجباری» خیره شوند، پس از آن پیامک‌بازی «مد» شد و اکنون شبکه‌های اجتماعی این نقش را برعهده گرفته‌اند. وی می‌گوید: به‌نظر من ارتباطات خانوادگی با وجود راه‌اندازی گروه‌های فامیلی در شبکه‌های اجتماعی بیشتر شده و دلخوری‌ها در فضای مجازی به‌راحتی حل می‌شود. به اعتقاد وی، استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به دلایل انتظار بازخورد از طرف مقابل در فرآیند ارتباط، فرار از موقعیت و جذابیت این فضاها باشد اما اکثر والدین از جمله پدر و مادر او با این شرایط مخالف هستند و در این میان بیشترین آسیب را پدر و مادرها و بچه‌های کوچک خانواده می‌بینند که ممکن است از توجه کمتر والدین جوان خود برخوردار شوند. ناصر، کاربر میانسال شبکه اجتماعی اینستاگرام نیز می‌گوید: استفاده از این ابزار مثل همه انواع نوآوری‌ها دارای جنبه‌های مثبت و منفی است و اعتیاد به استفاده از این وسایل موجب لطمه‌دیدن فرد می‌شود. شبکه‌های اجتماعی موبایلی علاوه‌بر وجود فضاهای خصوصی و دونفره، قابلیت ایجاد فضاهای گفت‌وگویی چندین‌نفره را هم دارند. به‌دلیل وجود این قابلیت، گروه‌های کاری- مهارتی، دوستانه، سرگرمی و خانوادگی در فضای مجازی گسترش پیدا کرده است.

دانشیار علوم شناختی گروه روانپزشکی دانشگاه علوم‌پزشکی همدان وجود شبکه‌های اجتماعی تلفن‌همراه را مفید می‌داند و معتقد است وجود این ابزارها مسیر ارزان‌تری برای انتقال پیام است و شبکه‌ها روابط را تسهیل کرده‌اند اگرچه در سوی دیگر ماجرا عمده دلیل استفاده فراوان و اعتیادگونه جوانان و نوجوانان پرکردن اوقات فراغت و داشتن دوست غیرهمجنس است.

ادامه در صفحه ۱۳